

از کارگاه تا دانشگاه

پژوهشی در نظام آموزشی استاد - شاگردی
و تبدیل آن به نظام دانشگاهی در نقاشی ایران

یعقوب آژند

(استاد دانشگاه تهران)



۱۳۹۸

فهرست مطالب

پیش از هر چیز ۱

فصل اول: آموزش هنر

کلیات ۵

سیر تکوینی آموزش هنر ۷

فصل دوم: نظام سنتی استاد - شاگردی در نقاشی ایران

دو سویگی کار نقاشان ۱۳

شکل‌گیری صنف نقاشان ۱۶

آموزش صنف نقاشان ۲۰

جمع‌بندی ۲۴

فصل سوم: تشکیلات هنری ایلخانان و جلایریان (۶۵۶-۸۱۳ ق)

درآمد ۲۷

کتابخانه‌های دوره ایلخانان ۲۹

کتاب‌خانه ۳۲

صورتخانه ۴۰

جمع‌بندی ۴۲

فصل چهارم: تشکیلات هنری تیموریان (۸۰۷-۹۱۱ ق)

درآمد ۴۵

کتابخانه همایونی شیراز: درآمدی بر تشکیلات هنری تیموری ۴۶

کتاب‌خانه و صورتخانه در دوره تیموریان ۴۹

دوره پیشین مکتب هرات ۴۹

مرقع: آموزش عملی و نظری هنر ۵۴

دوره پسین مکتب هرات ۶۲

جلوه‌های نظام استادشاگردی در نقاشی ۷۰

۷۶.....	جلوه‌های نظام استادشاگردی در خطاطی
۸۴.....	جمع‌بندی

فصل پنجم: تشکیلات هنری صفویان

۸۹.....	دوره شاه اسماعیل
۹۲.....	دوره شاه طهماسب
۹۴.....	کتابخانه ابراهیم میرزا
۹۶.....	کتابخانه سلطنتی
۹۹.....	کلانتران کتابخانه سلطنتی
۱۰۴.....	بیوتات سلطنتی
۱۰۵.....	جباخانه
۱۰۶.....	تشکیلات اجرایی نقاشخانه
۱۰۸.....	جمع‌بندی
۱۰۸.....	صادقی‌بیک افشار و آموزش هنر نقاشی

فصل ششم: تشکیلات هنری دوره قاجار

۱۱۵.....	درآمد
۱۱۷.....	در آستانه نظام مدرسه‌ای (۱۱۹۹-۱۲۶۴ ق.)
۱۱۸.....	نقاشخانه
۱۲۰.....	شکل‌گیری نظام مدرسه‌ای (۱۲۶۴-۱۳۲۴ ق.)
۱۲۲.....	نقاشخانه دولتی (نخستین مدرسه)
۱۲۵.....	دارالفنون
۱۲۷.....	تکوین نظام مدرسه‌ای (۱۳۲۹-۱۳۴۵ ق.)
۱۲۷.....	مدرسه صنایع مستظرفه
۱۳۰.....	از مدرسه تا دانشگاه (۱۳۱۹ شمسی به بعد)
۱۳۲.....	از هنرکده تا دانشکده هنرهای زیبا
۱۳۴.....	اساسنامه هنرکده
۱۳۵.....	شکل‌گیری دانشکده هنرهای زیبا
۱۳۹.....	کلام آخر
۱۴۶.....	افزوده
۱۴۷.....	فتوت و نظام استادشاگردی

۱۵۷.....	کتابنامه
۱۶۳.....	نمایه

۱۸۱.....	آلبوم تصاویر
----------	--------------

فصل اول

آموزش هنر

کلیات

آموزش هنرها دو هدف عمده را دربرمی‌گیرد: (۱) آموزش برای فراگیری و حصول آن هنر؛ (۲) آموزش برای پیشبرد زمینه‌های فرهنگ عمومی که در هر دو اینها تئوری و عمل جایگاه ویژه‌ای دارد. آموزش عملی برای یادگیری و تولید آثار هنری ضروری است و در حقیقت وسیله‌ای برای بیان هنری به شمار می‌رود. آموزش تئوری نیز برای فهم و درک آثار هنری ضرورت دارد. این دو نوع آموزش در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و طبق اصول زیبایی‌شناسی و اهداف آموزشی همواره مورد توجه بوده است. بررسی این دو جریان در سرتاسر تاریخ هنر، هم امکان‌پذیر است و هم عملی؛ یعنی کفایت است اطلاعاتی درباره آموزش فنی و تئوری هنرها به دست آید، که بتوان با آن آثار موجود را درک و فهم کرد.

زیبایی‌شناسی و آرمان‌های فرهنگی که پا به پای زمان و مکان تغییر می‌یابد نقش آموزش هنر را در نهادها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی معین و مشخص می‌سازد. آموزش هنرها در هر دو حلقه و خلاقیت هنری به طور کلی دو هدف عمده را دنبال می‌کند: یکی آموزش رسمی و کم و کیف آن و دیگری آموزش هدفی که خودانگیختگی تخیل خلاقه هنرمند را دربردارد. هدف نخست، خودانگیختگی خلاقه استادان نامی را با توجه به تقلید و طبیعت و مثنی‌برداری از آثار دیگران قاعده‌بندی می‌کند. در این هدف، عقیده اصلی مبتنی بر این است که آموزش، اصلی عمده و اساسی در انتقال دانش هنری است.

سپر تکوینی آموزش هنر

در یونان و روم و حتی در شرق باستان، استادان و هنرمندان چیره‌دست تربیت فنی شاگردان را برعهده داشتند و برای انتقال تجارب هنری و دانش خود به شاگردان مبالغی دریافت می‌کردند. شاگردان پیش از ورود به کارگاه نوعی آموزش عمومی اعم از خواندن و نوشتن و حساب کردن را می‌آموختند. آموزش هنر از شعبه‌های عالی معارف به شمار می‌آمد و هم‌سنگ آموزش هندسه، نجوم، ریاضیات و موسیقی بود. این آموزش دامنه محدودی داشت و در یک چارچوب بسته صورت می‌گرفت چون بهره‌وری عمومی نداشت. هنرهای بازنمایی در ایام باستان تنگ دامنه بود؛ برای مثال، ارسطو عقیده داشت که این نوع هنرها شالوده آموزشی ندارد و فقط به ایجاد محیط فرهنگی کمک می‌کند؛ از این رو، می‌توان تصور کرد که در آن روزگاران هنر تنها در کارگاه هنری استادان آموزش داده می‌شد.

در قرون وسطا نقاشی و پیکرتراشی موقعیت مستقلی پیدا کردند؛ ولی به هر حال در ارتباط با معماری بودند. نقاشان و پیکرتراشان و گچ‌بران و غیره پیشه‌ورانی به شمار می‌آمدند که تحت نظارت استاد بنایی کار می‌کردند و آثارشان را در محل کار پدید می‌آوردند. شاگردان آنها وردستان محسوب می‌شدند و کارهای جزئی‌تر را انجام می‌دادند. شاگردان معمولاً با کسب مهارت در کاربرد وسایل کار و به کارگیری مصالح گوناگون به استادی می‌رسیدند. آنان برای رسیدن به مرحله استادی از قواعد و اصول و حتی دستنامه‌های آموزشی بهره می‌گرفتند. بنابراین آموزش در هنرها بیشتر در فعالیت هنری مشترکی نهفته بود که بین پیشه‌وران و ناظر طراح وجود داشت.

درباره رابطه استاد و شاگرد در قرون وسطی شواهد اندکی وجود دارد، ولی این شواهد با شروع رنسانس شفاف‌تر می‌شود. در کارگاه‌های هنری سده چهاردهم، شاگردان دو تا شش سال کار می‌کردند و با شیوه ترکیب رنگ‌ها و کاربرد آنها در قالب‌بندی‌ها آشنا می‌شدند. به طور کلی شاگردان تحت نظارت استادکاران با هم کار می‌کردند و حتی گاهی شاگرد حکم فرزندخوانده استاد را پیدا می‌کرد. شاگردان پس از گذراندن دوران شاگردی حق راه‌اندازی کارگاه را پیدا می‌کردند و می‌توانستند مستقلاً به کار بپردازند. آنها در عرض چند سال گواهی‌نامه‌ای از صنف محل به دست می‌آوردند و این مسئله آنها را کاملاً مستقل می‌کرد. این آموزش تقریباً ده سال طول می‌کشید. یک

آکادمی‌های هنرهای زیبا که از سده شانزدهم به بعد پدید آمدند مهم‌ترین نهادهایی بودند که برنامه رسمی در آموزش هنرها داشتند. در آموزش خلاقیت هنری، دانش فرهنگی و تربیت فنی ابزارهای مهمی هستند که در پیشبرد دانش و بصیرت خلاقه و بیان فردی هنرمند به کار می‌رود. بیان هنرمندان با جوهره ذاتی کمال آن، زیبایی‌شناسی این نوع نگره را در شمول خود دارد. آموزه آن بر پایه اصل همکاری بین استاد و شاگرد برای پیشبرد یک هدف مشترک و بر اساس مفهوم آموزش است. این جریان در خلاقیت هنری همچون سایر جنبه‌های آموزشی هنر، رواج کامل دارد و جهت‌گیری آن بیشتر بر پایه خودانگیختگی هنری تنظیم شده است، نه آموزش رسمی و هنر ماشینی.

بین آموزش خصوصی و عمومی هنرها هم فرق اساسی وجود دارد. آموزش خصوصی در تمدن‌های باستانی به صورت تربیت طبیعی در کارگاه‌ها شروع می‌شد. معیارهای حرفه‌ای کار هنرمندان در این نوع آموزش، زمینه‌ای برای پذیرش همگانی محسوب می‌شد یعنی چیزی که امروز در آموزش عمومی هنرها وجود دارد. ایجاد آکادمی‌های هنری در سده‌های شانزدهم و هفدهم به رواج عمومی آموزش هنرهای خلاقه انجامید؛ هر چند شماری از این مدارس در آغاز حالت خصوصی داشت، رمانتیسیسم سده نوزدهم تردیدهایی را در زمینه قریح آموزش عمومی پیش رو نهاد؛ و با توجه به رویه رسمی و فرمایشی حاکم در آکادمی‌ها، بر آموزش هنرمندان مستقل و حتی لذت‌بردن از خودآموزی تأکید می‌شد.

در آموزش هنرها، سن شاگردان و دوره‌های آموزش هم اهمیت خاصی دارد. مسائل آموزش هنر برای کودکان ارتباط نزدیکی با مسائل تربیتی آنها دارد. در اینجا نیز بین آموزش رسمی و فرمایشی (که کودک را به تقلید وا می‌دارد) و آموزش خلاقه هنر (که خلاقیت کودک را به حرکت در می‌آورد) تفاوت وجود دارد. آموزش خلاقه هنر در کودک استعداد و قوه زیبایی‌شناسی او را همسان بزرگسالان شکوفا می‌کند. در مراحل بالاتر نیز بر ماهیت فنی و تکنیکی هنر تأکید می‌شود؛ مانند طراحی که برای زندگی حرفه‌ای آینده هنرمند از اهمیت بسیاری برخوردار است. این دوره هم با مراحل مقدماتی آغاز می‌شود و به مراحل عالی‌تر می‌رسد.